

نابرابری در توزیع درآمدهای جهانی

نویسنده: FINANCE & DEVELOPMENT, DEC 2001

مترجم: معصومه خوشه گبر



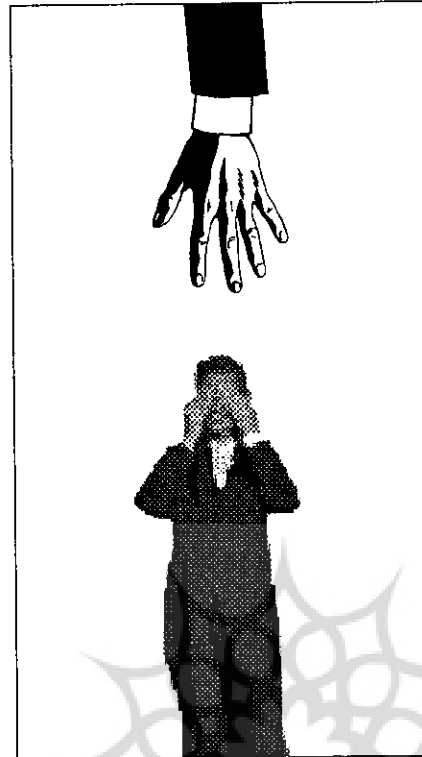
آیا مهم است که درآمد جهانی به چه صورت میان ۶/۲ میلیارد نفر از مردم جهان، صرفنظر از اینکه در کجا زندگی می کنند توزیع شود؟ آمارتیا سن (AMARTYA SEN)، که اخیراً برنده جایزه نوبل در رشته اقتصاد گردیده است در خصوص مسائل اساسی مانند روند افزایش شکاف نابرابری و فقر در میان ملل جهان هشدار می دهد. آمار و ارقام موجود در این زمینه پذیرفتنی نیست (سن، ۲۰۰۱). او به نکته درستی اشاره کرده است. درآمد دنیا بین ثروتمندان که یک پنجم جمعیت جهان را تشکیل می دهند، متمرکز شده است. روند موجود پذیرفتنی نیست و به راستی این پدیده شگفت آور است و با هیچ معیاری نمی توان این امر را مشروعیت بخشید. ۸۷/۷ درصد درآمد جهان به یک پنجم ثروتمندترین افراد جهان اختصاص یافته است.

بسیاری از طرفداران تجارت و جابجایی سرمایه های آزاد معتقدند توزیع درآمد به موازات تداوم روند جهانی سازی عادلانه تر خواهد شد. در چنین شرایطی است که آنها در مقابل این ایده که مبارزه با توزیع نابرابر درآمد در جهان بایستی به عنوان یک سیاست عمومی بین المللی اتخاذ گردد، مقاومت می کنند. به علاوه، بسیاری از تئوریهای رشد و توسعه پیش بینی هایی در مورد تغییرات در توزیع درآمد جهانی ارائه می دهند که آزمون تئوریهای پیش گفته مستلزم آن است اطلاعاتی در مورد روند توزیع درآمد جهانی داشته باشیم. به علاوه، الگوی نئولیبرال که عرضه کننده دستورالعملی است که اکنون به عنوان اجماع واشنگتن شناخته می شود. و به نوبه خود در خلال ۲۰ سال گذشته تئوری غالب سیاستهای فراگیر بین المللی توسعه شناخته شده است، انتظارات فراوانی ایجاد می کند مبنی بر اینکه اقتصادهای ملی کشورها به طور فزاینده ای از طریق تجارت و سرمایه گذاری در یکدیگر ادغام شده و بدین ترتیب روند توزیع درآمد جهانی عادلانه تر گردیده است. اگر پرسیده شود توزیع درآمد جهانی در خلال ۲۰ سال گذشته عادلانه تر شده است، با این نحوه توزیع درآمد موافق هستید یا خیر؟ اکثر اقتصاددانان غربی می گویند با این کیفیت توزیع درآمد موافق هستیم. اگر حق با اقتصاددانان غربی باشد آنگاه این امر به عنوان

مدرکی مستدل به نفع قانون توسعه همگون تلقی خواهد شد. قانون مذکور مدعی است کلیه اقتصادهای جهان از ادغام بیشتر در بازارهای بین المللی سود خواهند برد. و اقتصادهایی که با کمبود سرمایه و هزینه پایین تولید مواجه هستند (کشورهای در حال توسعه) احتمالاً بیش از کشورهای که از نظر اقتصادی همزینه تولید بالایی دارند و جذب کننده سرمایه ها هستند از ادغام کامل اقتصاد در بازارهای بین المللی سود خواهند برد. کشورهای در حال توسعه درصدد کسب استانداردهای زندگی غربی هستند بنابراین، سعی می کنند از طریق حذف تعرفه های تجاری، رفع محدودیتهای تجاری، اعطای امتیازات ویژه برای سرمایه گذاری مستقیم خارجی، استقبال از بانکهای خارجی، گسترش حق مالکیت معنوی، و غیره به طور کامل در بازارهای بین المللی ادغام شوند. این استراتژی انسجام گرایانه نرخ توسعه آنها را به حداکثر خواهد رساند، و از آن طرف برای رسیدن به استراتژی آنها باید از رهیافت یکپارچگی بهره مند شوند، بدین ترتیب مشاهده می شود که این دو امر در حقیقت با یک روش تحقق می یابد. خوشبختانه، منافع کشورهای ثروتمند غربی منطبق با استراتژی منسجم کشورهای در حال توسعه است، زیرا همانگونه که کشورهای در حال توسعه در حال ثروتمند شدن هستند، تقاضای آنها برای خرید کالاهای غربی نیز در حال گسترش بوده و ظرفیت آنان برای جذب رشد جمعیتشان در داخل همچنان در حال افزایش است، و این امر از فشار مهاجرت روزافزون به غرب می کاهد. بنابه دلایل فوق، بانک جهانی، صندوق بین المللی پول، سازمان تجارت جهانی WTO و دیگر نهادهای ناظر بین المللی معتقدند کشورهای در حال توسعه بایستی حداکثر تلاش خود را جهت ادغام در اقتصاد جهانی به عمل آورند، زیرا این امر برای تمامی آنان مفید است.

شواهد امر نشان دهنده چیست؟

بدین ترتیب برای تعداد زیادی این معضل مطرح می شود که آیا توزیع درآمد جهانی نسبت به ۲۰ سال گذشته عادلانه بوده است یا خیر؟ مشخص گردیده است که پاسخ صحیح و



استقراض خارجی کشورهای در حال توسعه را دچار بحران مالی می سازد و همین امر هرم در آمد جهان را دچار تزلزل می کند.

این روش را می توانید با روش نرخ ارز در بازار مقایسه کنید. بنابراین، استفاده از ترکیب مذکور باعث می شود افزایش در نابرابری به میزان اندکی برآورد گردد، اما مقاله ای که اخیراً از سوی «داوریک» و «اکمال» در سال ۲۰۰۱ منتشر شده حاکی از آن است که آمارهای جداول پن رود که اغلب محاسبات برابری قدرت خرید براساس آن صورت می گیرد دارای تورشی^(۳) (BIAS) است که موجب می گردد درآمد کشورهای در حال توسعه بالاتر از مقدار واقعی برآورد گردد (هستون، ساملز ۱۹۹۹). جداول فوق میزان و روند نابرابریها را کمتر از آنچه که هست عرضه می دارد. اغلب گفته می شود معیارهای برابری قدرت خرید بایستی به معیار نرخ ریبج ارز در بازار ترجیح داده شود و کشورهای موردنظر بایستی همیشه بر مبنای جمعیت نسبی مورد ارزیابی قرار گیرند، نه بر مبنای مشاهدات جمعیت مطلق آنها. مسلماً همه معیارهای برابری قدرت خرید برای سنجش قدرت خرید نسبی یا سنجش رفاه مادی نسبی مناسبترند گرچه داده های در دسترس به اندازه کافی برای تخمین برانگشتی اطلاعات به ویژه در مورد کشورهای همچون چین و اتحاد شوروی سابق قبل از اوایل دهه ۹۰ مناسب نیست. همچنین ممکن است صرفنظر از نقص داده های پیش گفته بررسی مسئله توزیع درآمد به قصد برآورده ساختن اهداف دیگری مورد علاقه ما باشد. در حقیقت برای اغلب مسائلی که برای جهان حل نشده باقی مانده است باید از نرخ ارز بازار استفاده کرد و آن را پس از تبدیل به برابری قدرت خرید به عنوان معیاری مشترک برای توزیع درآمد جهانی در کشورهای گوناگون مورد استفاده قرار داد. مسائلی از قبیل واردات کالاهای سرمایه ای، گسترش منزوی شدن کشورهای در حال توسعه در جامعه جهانی و به طور کلی تاثیر اقتصادی و ژئوپولیتیک هر کشور یا منطقه بر دیگر نقاط جهان. با این همه، دلیل اینکه بسیاری از مردم کشورهای فقیر به سختی می توانند در مذاکرات بین المللی حضور یابند این است که هزینه های هتل، دفاتر و حقوق آنان در مکانهایی نظیر نیویوریک، واشنگتن و ژنو بایستی به دلار آمریکا پرداخت گردد نه به نرخهای دلار براساس برابری قدرت خرید. در

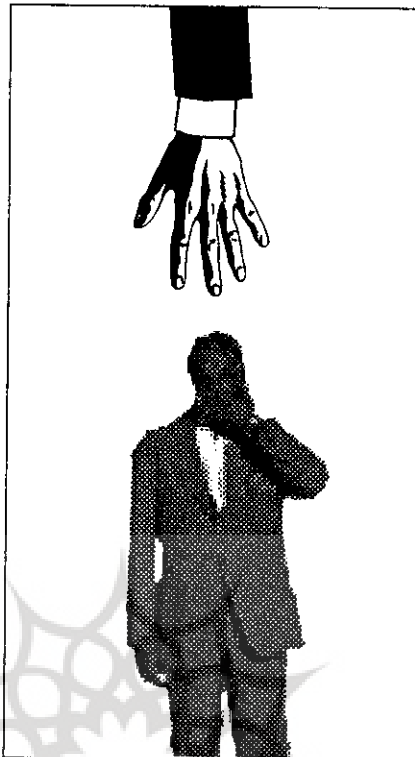
منحصر به فرد برای این سوال وجود ندارد زیرا جواب این سوال بستگی به این دارد که محقق چه ترکیبی از معیارها را برای بررسی این مسئله برگزیده باشد. پاسخ این سوال بستگی دارد به:

- ۱ - معیار نابرابری (مثلاً ضریب جینی GINI، یا نسبتهای یک پنجم، یا یک دهم)، ۲ - واحد نابرابری سنجش کشورها صرفنظر از جمعیتشان، سنجش افراد به تنهایی و یا سنجش آنها براساس جمعیت)، ۳ - روش تبدیل درآمد به عنوان معیار مشترکی برای مقایسه درآمد در کشورهای مختلف (نرخ ریبج ارز در بازار یا نرخهای برابری قدرت خرید^(۴) (PURCHASING POWER PARITY) هر یک از ۸ معیار سنجش درآمد می تواند برای مقاصد معینی مناسب باشد. سپس سوال دیگری که مطرح می شود این است که از چه نوع داده ای برای سنجش درآمدها استفاده شده است مثلاً حسابهای درآمد ملی یا درآمد خانوار و بررسیهای هزینه. مطالعات من از شواهد به دست آمده حاکی از آن است که هیچ کدام از این ۸ معیار به وضوح نشان نمی دهد که توزیع درآمد در جهان نسبت به ۲۰ سال گذشته عادلانه تر شده است. ۷ معیار از ۸ معیار پیش گفته به درجات متفاوت نشان می دهد میزان نابرابری در حال افزایش است. هشتمین معیار یعنی ضریب جینی که کشورها را براساس تعداد جمعیت و قدرت خریدشان مقایسه می کند، نشان می دهد هیچ گونه تغییر قابل ملاحظه ای در توزیع درآمد جهان مشاهده نشده است. پدیده مذکور به این علت است که ضریب جینی توجه زیادی به تغییرات متوسط توزیع درآمد ندارد و به اندازه کافی تغییرات در حداقل و حداکثرهای منحنی توزیع درآمد را نشان نمی دهد. بنابراین، در این خصوص توجه بیشتری به کشورهایی مانند چین شده است که از رشدی سریع و جمعیت زیاد برخوردارند. برعکس در روش دهکها این ضریب کم اهمیت تر است، همچنین استفاده از این روش برای کشورها از طریق محاسبه نسبت جمعیتشان نتایج مشابهی را در پی خواهد داشت، و استفاده از روش برابری قدرت خرید منجر به این می شود که توزیع درآمد در طبقاتی که از درآمد کم برخوردارند نسبت به کسانی که از درآمد بالا برخوردار هستند عادلانه تر شود.

اقتصادی به سوی فعالیتهای دارای ارزش افزوده بالا متمایل گشته است. این نوع فعالیتهای عمدتاً در کشورهای ثروتمند غربی رایج تر است تا در کشورهای در حال توسعه، زیرا دست زدن به این گونه فعالیتهای مستلزم صرف هزینه های بالاست.

پیامدها

شکاف درآمدی نوع دیگری از قطبی شدن نظام جهانی را که اکنون شاهد آن هستیم تبیین می کند بدین ترتیب این شکاف جهان را به دو بخش، یک منطقه آرام و یک منطقه پر از بحران و آشفتگی تقسیم کرده است. از یک طرف مناطق قطب ثروتمند از نظام اقتصادی با رشد قوی و گرایشهای لیبرالی برخوردار هستند (به جزء نسبت به مهاجرین) که همراه با ابداعات تکنولوژی است (ابداعات پیش گفته موجب می شود از تباه شدن سرمایه های طبیعی جلوگیری به عمل آید). از سوی دیگر، قطبهایی که درآمد متوسط و پایین دارند و از توانایی پایینی در استخراج منابع و رشد اقتصادی برخوردارند، عمدتاً این گونه کشورها در آفریقا، خاورمیانه، آسیای مرکزی، جمهوریهای شوروی سابق و قسمتهایی از شرق آسیا قرار دارند. اکنون در جهان شاهد آن هستیم که نسبت افرادی که در جستجوی برآورده ساختن نیازهای ضروری خود هستند به طور روزافزون در حال افزایش است و این در حالی است که دیگران (ملل کشورهای ثروتمند) در ناز و نعمت به سر می برند. نتیجه وضعیت فوق آن است که تکنولوژی های جدید اطلاعاتی به عنوان وسیله ای تهدیدآمیز برای برهم زدن ثبات در جوامع و حتی تهدید برهم زدن ثبات اجتماعی در کشورهای مناطق ثروتمند در اختیار جمعیت انبوهی از بیکاران جوان و عصبانی که عمدتاً مردان را شامل می شود قرار گرفته است. رشد اقتصادی در اینگونه کشورها اغلب موجب آسیب رساندن به منابع طبیعی و در نتیجه موجب کاهش توانایی بالقوه رشد در آینده می شود تعداد زیادی از مردم کشورهای فقیر در فکر مهاجرت به کشورهای ثروتمند هستند و این کار را تنها راه نجات خود از فقر می دانند.



شکاف درآمد نوع دیگری از قطبی شدن نظام جهانی است که این شکاف جهان را به دو منطقه آرام و بحرانی تقسیم کرده است.

نتیجه این کشورها از نتایج مثبتی که حضور نمایندگانشان می تواند در اجلاسهای بین المللی حاصل کند به دلایل فوق محروم می شوند. نتیجه استفاده از نرخ ارز بازار آزاد، آشکار است: همه چهار معیار برای نرخ ارز در بازار نشان می دهد به طور فزاینده ای نابرابری افزایش یافته است.

دلایل افزایش نابرابری

دلایل افزایش نابرابری توزیع درآمد جهانی چیست؟ تاکنون تئوری که از لحاظ منطقی و با صراحت بگوید دلایل این امر چیست عرضه نشده است، و به همین دلیل برقراری رابطه علت و معلولی در این خصوص بسیار مشکل است. تفاوت رشد جمعیت بین کشورهای فقیر و ثروتمند یکی از دلایل این امر است. سقوط بهای کالاهای غیرنفتمی که در سالهای ۱۹۸۰ تا اوائل دهه ۹۰ بیش از ۵۰ درصد کاهش یافت، یکی دیگر از دلایل است که به خصوص اثر شدیدی بر کشورهای بسیار فقیر گذاشته است. تله بدهی نیز سومین دلیل است. رشد سریع کشورهای در حال توسعه دارای درآمد متوسط، باعث شده است آنان در جستجوی سرمایه گذاری و مصرف بیش از آن مقداری باشند که درآمدهای داخلی شان کفاف می دهد. بنابراین، آنان به سوی استقراض از خارج متمایل می شوند. آنان زمانی که دست به استقراض از خارج می زنند شرایطشان بسیار مطلوب است اما همانگونه که در بحرانهای مالی پیش می آید، در اغلب اوقات توانایی بازپرداخت بدهی شان در زمان سررسید پایین می آید و آنها دچار بحران می شوند. طی دهه ۸۰ و ۹۰ ما بارها شاهد این بودیم کشورهایی که برنامه آزادسازی اقتصادی را انجام داده بودند و سیستم های مالی آنها باز بود، به شدت دچار استقراض شدند و با بحران مالی پرهزینه ای مواجه گردیدند، علی رغم اینکه سرمایه گذاری در این گونه کشورها بر مصرف ترجیح داشت. هر بحران به نوبه خود موجب می شود هرم درآمد جهان دچار تزلزل گردد علاوه بر این ممکن است تله بدهیها به عنوان عاملی نیرومند در اقتصاد جهان به شمار رود. دلیل اساسی دیگر، تغییرات تکنولوژی است. در طول دو دهه گذشته روند، فعالیتهای

نهادهای برتون و دز (صندوق بین المللی پول و بانک جهانی) که در طول دو دهه گذشته نظریه غالب محسوب می شدند و اکنون نیز با ظهور سازمان جدیدالتاسیس سازمان تجارت جهانی به طور روزافزونی تقویت شده اند آغاز کنیم. نظریه غالب موسسات پیش گفته باعث گردید استراتژی کشورهای روبه رشد به استراتژی جهت افزایش یکپارچگی اقتصادهای در حال رشد و ادغام آن در اقتصاد جهانی تبدیل گردد. این امر به واسطه اصلاحات اقتصادی داخلی به منظور عملی شدن ادغام کامل در اقتصاد بر مبنای فرضیات پیش گفته زیر سوال رفته است. همانگونه که دیگر شواهد نیز مسئله فوق را تایید می کند. راهبردهای بین المللی عمومی برای کاهش نابرابری درآمد در جهان بایستی شامل یک سسری تغییرات اساسی در خط مشی های بانک جهانی، صندوق بیسن المللی پول و سازمان تجارت جهانی گردد، به اندازه ای که به آنان اجازه دهد دولتهایی را که خط مشی جداگانه ای برای خود در نظر گرفته اند مورد تحریم قرار داده و موسسات نوآور و مبتکر داخلی را تشویق و ترغیب کنند. □

پانوشتها

۱- ضریب جینی: ضریب یا نسبستی که در تحلیلهای مربوط به چگونگی توزیع درآمد مورد استفاده قرار می گیرد، مقدار آن بین صفر و یک در نوسان است و نزدیک بودن آن به عدد یک نشانه آن است که توزیع درآمد در جامعه متناسب و دور شدن از یک نشانه نامتناسب بودن توزیع درآمد در جامعه است.

۲- برابری قدرت خرید: به نرخ برابری دو پول اطلاق می شود که براساس قدرت خرید داخلی آن دو پول تعیین شده باشد. مثلاً اگر یک دلار آمریکا برابر ۲ مارک آلمان فرض شود، فقط وقتی برابری قدرت خرید دو پول مذکور برقرار است که با یک دلار در آمریکا بتوان همان مقدار کالا و خدمات خرید که با ۲ مارک در آلمان خریداری می شود.

۳- تورش: خطای یکطرفه، گرایش به یک طرف یا یک نقطه نظر بدون دلیل یا به دلایل اشتباه می باشد. به تورش خطای منظم نیز می گویند.

ماخذ:

فرهنگ توصیفی اصطلاحات پول، بسانکداری و مسالیه بین المللی، تالیف حسن گلریز، ۱۳۸۰

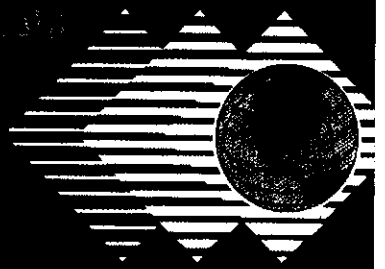


سازمانهای بین المللی

بانک جهانی و صندوق بین المللی پول توجه بسیار کمی به مسئله نابرابری توزیع جهانی درآمد دارند. گزارش توسعه جهانی سال ۲۰۰۰ که توسط بانک جهانی انتشار یافته صراحتاً نشان می دهد میزان نابرابری در توزیع درآمد جهانی افزایش یافته و این امر به عنوان مسئله ای نگران کننده مطرح شده است، این گونه توزیع درآمد موجب شده از میزان افرادی که در فقر به سر می برند کاسته شود و نرخ فقر در جهان در طول سالهای اخیر ثابت باقی بماند. اما میزان درآمد دهک پایین درآمدی ممکن است احتمالاً از دهه ۸۰ تا کنون به طور مطلق نیز کاهش یافته باشد و شخص نباید این ادعای بانک جهانی را بپذیرد که تعداد افراد با درآمد کمتر از یک دلار در روز مابین سالهای ۱۹۸۷ الی ۱۹۹۸ در حد یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون نفر ثابت باقی مانده است، زیرا روشی که برای محاسبه ارقام برای سال ۱۹۹۸ استفاده شده نسبت به روشی که در ۱۹۸۷ استفاده شده تورشی نزولی دارد. اگرچه تصور می شود درآمد دهک جمعیتی که دارای کمترین درآمد هستند به طور مطلق افزایش یافته است و در نتیجه تعداد افرادی که در فقر مطلق به سر می برند کاهش یافته اما با همه این احوال دنیا با افزایش میزان نابرابری توزیع درآمد مواجه است. از نقطه نظر بانک جهانی، افزایش در میزان نابرابری بایستی به عنوان یک امر منفی تلقی گردد، بلکه عدم ثبات سیاسی و سیل مهاجران است که می تواند موجب صدمه رساندن به جان شهروندان ملل ثروتمند و دولتهای آنان گردد.

باید از سوی سازمانهای ناظر بین المللی از قبیل بانک جهانی، صندوق بین المللی پول و سازمان تجارت جهانی، توجه بیشتری به مسئله نابرابری توزیع درآمد در جهان نشان داده شود. اگر ما می توانیم در خصوص گرم شدن تدریجی کره زمین هشدار دهیم (که این امر در درازمدت می تواند اثرات مخربی بر محیط زیست به جای گذارد) به همین ترتیب چرا نتوانیم در خصوص نابرابری توزیع جهانی درآمد اقدامی به عمل آوریم؟ ما اقدام در این زمینه را بایستی با رد کردن فرضیات نئولیبرال

**بانک جهانی
و صندوق
بین المللی پول
کمتر به مسئله
نابرابری توزیع
درآمد جهانی
توجه می کنند.**



فرایم

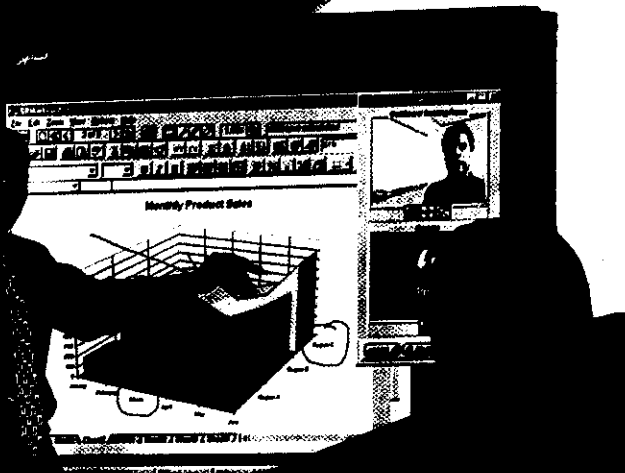
همگام با تکنولوژی روز همراه با مدیران

- حسابداری مالی
- خزانه داری (دریافت پرداخت)
- حسابداری انبار (تعدادی - ریالی)
- حقوق دستمزد و اطلاعات پرسنلی
- دارائیهای ثابت و ماشین آلات
- سیستم فروش
- حسابداری صنعتی (قیمت تمام شده)
- برنامه ریزی تولید و فرمولاسیون

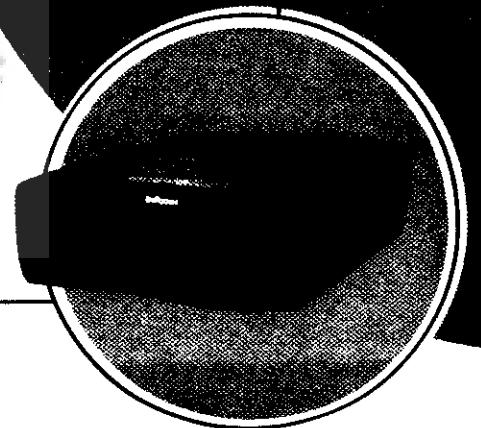
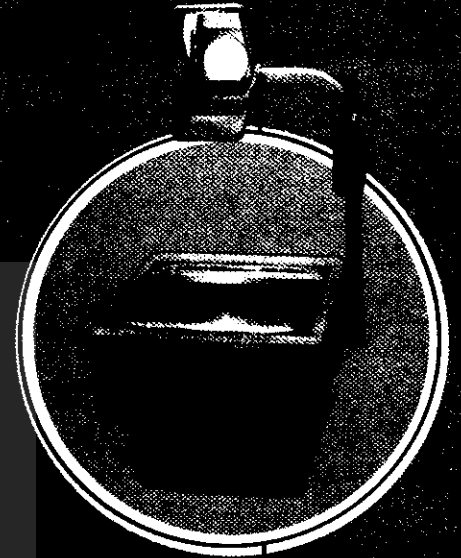
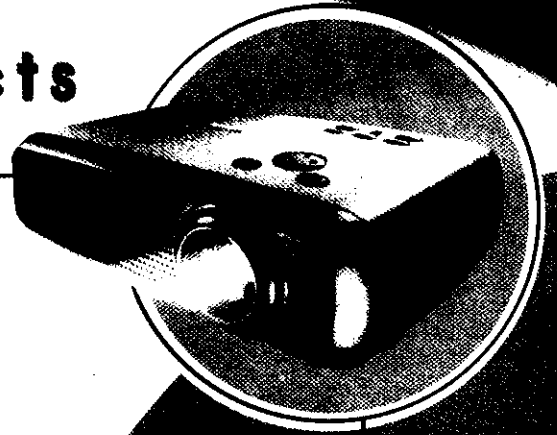


تک کاربره و چند کاربره تحت Windows NT
 خدمات پشتیبانی و آموزش رایگان
 بویایی و توسعه ماهانه سیستم ها (نسخه جدید)
 ارائه خدمات سخت افزار و پیاده سازی انواع شبکه
 ارائه مشاوره مالی جهت پیاده سازی بهینه سیستم ها

Presentation Products

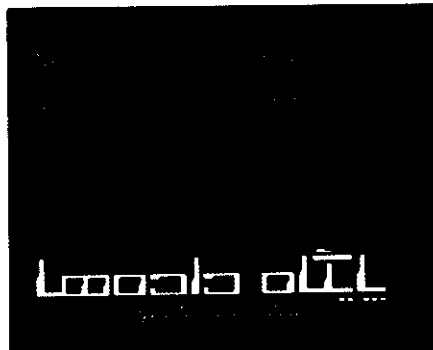


32 dB



وسایل کمک آموزشی و ارائه مطالب درسمینارها وکناسهای درس که شامل: انواع پرده - پروژکتور های اسلاید - اورهد-ویدیو-دیتا- اوپک-ویژولایزر-انواع وایت بردهای دیجیتال و...

Option 8774784

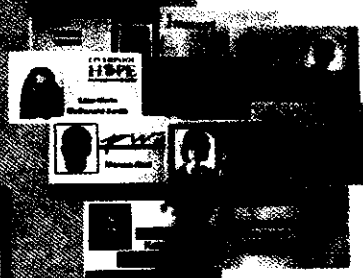
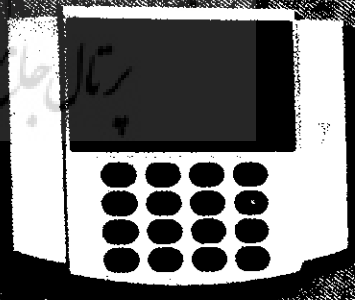
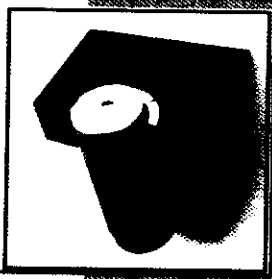
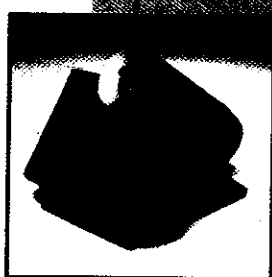


خیابان سلیمان خاطر (امیر اتابک) شماره ۳۷
طبقه سوم - شماره ۱۵
صندوق پستی ۳۷۶۷ - ۱۵۸۷۵ : تهران ۱۵۷۹۶
تلفن: ۸۸۳۶۶۸۰ (۸ خط)
فکس : ۸۸۲۴۴۸۷
پست الکترونیک : dbs@kanoon.net

IDENTIFICATION SYSTEMS



تأسیسات و علوم انسان و مطالعات فرهنگی
 کتابخانه علم انسان



سیستم های تشخیص هویت

این سیستم ها برای تشخیص هویت افراد در محیط های مختلف استفاده می شود. این سیستم ها می توانند به راحتی با سیستم های امنیتی دیگر یکپارچه شوند. این سیستم ها می توانند به راحتی با سیستم های امنیتی دیگر یکپارچه شوند.

این سیستم ها برای تشخیص هویت افراد در محیط های مختلف استفاده می شود. این سیستم ها می توانند به راحتی با سیستم های امنیتی دیگر یکپارچه شوند. این سیستم ها می توانند به راحتی با سیستم های امنیتی دیگر یکپارچه شوند.

Option 8774784

ایتم دادگستر



پروپوزیشن کاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی